

C.SCMU 09

Serial No.

184

D-DTN-J-QFB

PERSIAN

Paper—II

(Literature)

Time Allowed : Three Hours

Maximum Marks : 300

INSTRUCTIONS

*Candidates should attempt questions 1 and 5 which are compulsory, and any **THREE** of the remaining questions, selecting at least **ONE** question from each Section.*

All questions carry equal marks.

Questions 1 and 5 must be answered in

Persian and the remaining questions must be answered either in Persian or in the medium of examination specified in the Admission Certificate issued to you.

SECTION—A

1. Explain any **THREE** of the following Passages with reference to the context in Persian : 3×20=60

(الف)

پس دیگر روز تاش را یات بکشاد و کوس بز دو بر مقدمه
از بخارا برفت و از جیحون عبر کرد با هفت هزار سوار، و امیر با
باقی لشکر در پی او به نیشاپور بیامد۔ پس امیر تاش را و لشکر را
خلعت بداد و تاش در کشید و بر نیستی درآمد۔ و به کوشش بیرون
شد و روی به ری نهاد با غوی درست و حزمی تمام۔ و ماکان
باده هزار مرد حربی زره پوشیده بر در ری نشسته بود و به ری
استناد کرده تا تاش برسد و از شهر برگذشت و در مقابل او
فرود آمد، و رسولان آمد و شد گرفتند، بر هیچ قرار گرفت که
ماکان مفرو رگشته بود بدان لشکر دل انگیز که هر جای فراهم
آورده بود۔ پس بر آن قرار گرفت که مصاف کنند و تاش
گرگ پیر بود و چهل سال سپهسالاری کرده بود و از آن نوع
بسیار دیده و چنان ترتیب کرد که چون دو لشکر در مقابل
یکدیگر آمدند و ابطال و شداد لشکر مالداء النهر و خراسان از
قلب حرکت کردند و نیمی از لشکر ماکان به جنگ دستی کشادند و

باقی حرب نکردند و ماکان کشته گشت۔

(ب)

در شرف آفتاب نیمه روز که فروغ جهان را در گیرد
سکین مہرہ سفید تابناک بہ ہندی سورج کرانت گویند برابر
آفتاب گذارند تختی پنبہ نزدیک دارند از تابش آتش بدودر
گیرد۔ آن آسمانی آذر بہ کار آگہان سپارند۔ چہ اغیانی و
مشعلیان و مطخیان از آن روشنی کار خویش طلبند چون سال
بہ فرخندگی سیری گردد باز ستانند و آوندی کہ درو نگاہ دارند
رگن گر نامند یعنی آتشدان۔ و نیز سپیدگون سنگی رخشا پدید
آمد چند کرانت اورا مقابل ماہ دارند۔ آب تراوش کند۔
چون از روز یک گرمی ماند خدیو عالم اگر سوار باشد
فرود آید و اگر غنودہ بیدار گردد و از ہر نقاب جمال جہان آرا
یک سو شدہ ظاہر را ہم رنگ باطن گردانند۔ و چون روشنی
بخش جہان نور خویش بر گیرد خدمت گزاران سعادت گرامی
در دوازده لگنہای زرین و سیمیں کافوری شمعہا افروختہ در
پیشگاہ حضور آوردند۔

(ج)

در این تفکر ساعتی بپاسودم، و در سایہ
درختی بنخودم چون چشم بکشادم پیری دیدم خوش نوا و لطیف

لقا۔ برطرفی دیگر نشسته۔ انبان و عصا در پیش۔ و مراتب
 زاد و راحلہ خویش۔ پوشیده درمی سفت و با خود خنی می گفت
 و در برابر وی سروی سرافراشته در چمن کاشته۔ باد بهاری
 بروی می وزید و از جنبش آن نسیم می نوید۔ و پیر در وی می
 خندید۔ گوش داشتیم تا پیر سیاح چه می گوید و از آن ترنم و تبسم
 و چه می جوید۔ این نظم در زبان داشت و این درد بان۔ از
 جگر کباب با چشم پر آب می گفت۔۔۔ پس نظم تازی
 بگذاشت و نوای دری برداشت و این ابیات را بر زبان
 راند و این ترجمہ در بیان آورد۔ شعر

زهی عالی درختی کز بلندی

سز و گردون گردان پایہ تو

بسی خورشید و ماه و ابر بوده

بہ باغ اندر رقیب و دایہ تو

چه باشد گر غریبی مستمندی

بیا ساید می در سایہ تو

بنازد در بہشت عدن شاید

اگر طوبی بود ہم سایہ تو

(د)

و نیز بزرگ حصاری بر سازد و در آن منازل دلگشا
آسایش فرماید و هر یکی از پردگیان را که از پنج هزار افزونند
جداگانه منزل نامزد گرداند و چون جوق بر ساخته به گزین
خدمتها سرگرم دارد. پرستاران پارسا گوهر به داروغگی و
دیدبانی هر گروهی باز گزارد و یکی از نیک ذاتان عفت
سرشت را اشراف بدهد. بسان بیرون کارخانه ها آباد گردد
و روزی هر یک در خور فراخ گرداند. اگر چه اندازه بخشش
به جامه در تنجید لیکن ماهواره هر کدام مهین یا نواز یک هزار و
شصت و ده روپیه تابست و هفت - آنچه این گروه را
خواهش رود به اندازه مایه خانه از تولیداران بیرونی باز
خواهند یادداشت به شرف آستانه برسند و از دید آن گنجور
بیرونی سپارد و درین بازخواست برات بگذرد. و بر آورد
سالیانه نموده و به اجمال قبض نویسد و مہر اولیاء دولت نشانند
گردد. سپس سکہ خاص شاهی که برای همین کار
جداگانه ساخته اند روالی گیرد بدین سند خزانه چی کل زر
حواله تولیدار کل بیرونی نماید.

2. Highlight importance of Ain-e-Akbari as an administrative manual of Mughals Court. Give some Persian quotes from Ain-e-Akbari. 60
3. Elucidate literary importance of Qabusnama Washmigr. 60
4. "Short stories of Sadiq Hedayat reflect the mental agony of himself as well as a section of Iranian Society." Discuss it and quote examples from Desh Akul & Girdab. 60

SECTION—B

5. Explain any **THREE** of the following into Persian with explanatory notes : 3×20=60

(الف)

ای دیو سپید پای در بند
ای گنبد گیتی، ای دماوند
از سیم به سر، یکی کله خود
ز آهمن به میان یکی کمر بند

تا چشم بشر نبیند ت روی
نهفته به ابر چهر دل بند
تا واری از دم ستوران
وین مردم نخس دیو مانند

باشیر سپهر بسته پیمان

با اختر سعد کرده پیوند

چون گشت زمین ز جور گردون

سردوسیه خموش و آوند

بنواخت ز خشم بر فلک مشیت

آن مشیت توی تو، ای دماوند

تو مشیت درشت روزگاری

از گردش قرنهای پس افکند

از آتش دل برون فرستم

برقی که بسوزد آن دهان بند

من این کنم و بود که آید

نزدیک تو این عملی خوشایند

(ب)

زیبند عروسی که بیفزوده جمالش

هر دم بنظر خوش تر و شاداب تر آید

هر لحظه که شاداب ترش بنم گویم

بکشای بغل بو که در آغوش در آید

یاد از روش خود کنم و بزم خداوند

هر که که صبا از چمنش جلوه گر آید

چون بوئے گل آید کنم از انجمنش یاد
 تا نکبت گل مایه صد درد سر آید
 هر که که بهزوم سفر از شوق تو عرفی
 آید بوداع وی و با چشم تر آید
 رازی کند از شش جهت آغاز که شتاب
 کین فصل و سه فصل و گرم بر اثر آید
 لیک از همه خلدست که بی طوف جنابت
 چندان نکند ملک که وقت ثمر آید
 کشمیر بر او والہ او والہ کشمیر
 امانہ چنان کش بدل از دیده در آید
 (ج)

گشت با عیسی یکی ابلہ رفیق
 استخوانہا دید در حفرہ ی عمیق
 گفت ای همراه آن نام سنی
 کہ بدان مرده تو زنده می کنی
 مرا آموز تا احسان کنم
 استخوان را بد آن با جان کنی

گفت خاموش کن که آن کار تو نیست
 لایق انفاس و گفتار تو نیست
 عمرها بایست تا دم پاک شد
 تا امین مخزن افلاک شد
 خود گرفتی این عصاره دست راست
 دست را دستا موسی از کجاست
 گفت اگر من نیستم اسرار خوان
 هم بر تو خوان نام را بر استخوان
 گفت: عیسی یارب این اسرار چیست
 میل این ابله درین بیگار چیست
 چون غم خود نیست این بیمار را
 چون غم جان نیست این مردار را
 مرده ای خود را را با کرده است او
 مرده ای بیگانه را جوید رفو؟

(د)

عکس روی تو چو در آئینه جام افتاد
 عارف از خنده می در طمع خام افتاد

حسن روی تو بیک جلوہ کہ در آئینہ کرد
 این ہمہ نقش در آئینہ اوہام افتاد
 این ہمہ عکس غمی نقش نگارین کہ نمود
 یک فروغ رخ ساقیست کہ در جام افتاد
 غیرت عشق زبان ہمہ خاصان برید
 کز کجا سر غمش در دہن عام افتاد
 من ز مسجد بہ خرابات بہ خود افتادم
 اینم از عہد ازل حاصل فرجام افتاد
 چہ کند کز پی دوران نرود چون پرکار
 ہر کہ در دائرہ گردش ایام افتاد
 در خم زلف تو آویخت دل از چاہ رنج
 آہ کہ چاہ برون آمد و در دام افتاد
 آن شدای خواجہ کہ در صومعہ باز مہنہ
 کار ما بارخ ساقی و لب جام افتاد

6. Urfi's Qasaid reflect the best qualities of Indo-Persian style of poetry. Discuss, quoting appropriate examples. 60.

7. Nima Yushij founded the school of free verse in Modern Persian Poetry." Discuss this quote highlighting major features of free verse poets of Nima's school. 60
8. "Amir Khusro's Ghazals are the representative of Sabk-e-Hindi." Show your acquaintance with the said school of stylistic and elaborate the major feature of it. 60

